

تحلیلی بر مطالعات روستایی در ایران

مصطفی ازکیا *

غلامرضا غفاری **

تاریخ دریافت: 1388/9/16؛ تاریخ پذیرش: 1388/11/12

چکیده

در این مقاله پس از بازخوانی مطالعات انجام شده پیرامون جامعه روستایی ایران به روش تاریخی و به شیوه اسنادی، روند تولید اسناد و منابع مربوط به مطالعات روستایی در سه بخش مورد تحلیل قرار گرفته است. در بخش نخست به تک‌نگاری‌ها و آثاری که جامعه روستایی را به صورت کلی مطالعه کرده‌اند اشاره شده است. در این دسته از مطالعات نگاهی کلی و بدون جهت‌گیری نظری نسبت به جامعه روستایی و معرفی و توصیف آن مطرح است. این آثار قابل تقسیم‌بندی به دو دسته عام و خاص می‌باشند. در عین حال مطالعات تک‌نگاری به دو دسته تک‌نگاری‌هایی که به عنوان مکمل بررسی‌های اجتماعی اقتصادی مناطق روستایی انجام شده‌اند و تک‌نگاری‌هایی که به صورت مستقل انجام شده‌اند قابل تقسیم هستند. در بخش دوم مطالعات انجام شده با جهت‌گیری تاریخی و نظری بررسی شده‌اند. این نوع مطالعات برخلاف بررسی‌های دسته نخست برخوردار از جهت‌گیری‌های نظری، روش‌شناختی و حتی در مواردی همراه با سوگیری‌های ارزشی و ایدئولوژیکی نیز می‌باشند که بر پایه روش‌های تاریخی، تحلیل اسنادی و تاریخی-تطبیقی انجام شده‌اند. همچنین از سال‌های 1342 به بعد مطالعات حوزه روستایی کشور ابعاد سیاسی-اجتماعی پیدا کرده و نقد و بررسی پیامدهای اصلاحات ارضی در نگاه موافقین و مخالفین بیشترین سهم را در نوشته‌های روستایی داشته است. این روند در سال‌های بعد از انقلاب با تأکید بیشتر بر پیامدهای منفی اصلاحات ارضی و توجه به نظام‌های بهره‌برداری روستایی با عنایت به تغییراتی که در نظام مالکیت و عوامل تولید به وجود آمده بود و نیز بررسی ورود دولت به روستاها، تغییرات مدیریتی، شکل‌گیری نظام قشربندی اجتماعی جدید و تغییر در ساختار قدرت، اصلاحات ارضی و آثار و پیامدهای برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش سوم به آثار و مطالعات انجام شده با جهت‌گیری آموزشی، با طرح مباحث روستایی در قالب واحدهای درسی جامعه‌شناسی روستایی و رشته توسعه روستایی توجه شده و در پایان مقاله به تنگناها، زمینه‌ها و بسترهای مورد نیاز این حوزه مطالعاتی از حیث موضوعات جدید و ضرورت استفاده از روش‌های تازه اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: مطالعات روستایی، جامعه‌شناسی روستایی، توسعه روستایی، تحولات روستایی.

* استاد گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

** دانشیار گروه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. ghaffary@ut.ac.ir

مقدمه

پژوهش‌ها، اسناد و مکتوبات تولید شده در حوزه مطالعات اجتماعی روستایی که در ذیل چتر جامعه‌شناسی روستایی و توسعه روستایی انجام شده‌اند در قیاس با دیگر حوزه‌های مطالعات اجتماعی قدمت و سابقه بلندتر، غنا و گستردگی بیشتر و مهم‌تر اینکه با واقعیت‌های جامعه روستایی ایرانی ارتباط و پیوند نزدیک‌تری را از خود نشان داده است. هر چند که این پیوند در مقام نظر و عمل باید از قوت و غنای بیشتری برخوردار شود. با وجود این، تجربه چرخش‌های پارادیمی که از حیث هستی‌شناختی (محتوایی)، معرفتی و روش‌شناختی، که به‌تبع تحولات نظری و جامعه‌ای، علوم اجتماعی جدید در مواجهه با آن قرار دارند، برای حوزه مطالعات اجتماعی روستایی در قالب جامعه‌شناسی روستایی و توسعه روستایی، اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. به‌گونه‌ای که واقعیت و شرایط متحول و جدید جامعه روستایی از حیث عاملیتی، فرایندی و ساختاری، حوزه‌ها و روزه‌های پژوهشی نوینی را فراروی پژوهشگران جامعه‌شناسی و توسعه روستایی قرار داده است. سابقه مطالعه و بررسی اجتماعی جامعه روستایی، در شکل جدید آن با طرح و شکل‌گیری جامعه‌شناسی در حوزه آموزشی و پژوهشی کشور همراه است که در این بین مجامع دانشگاهی و مؤسسات پژوهشی از جمله مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، مؤسسه تحقیقات اقتصادی و مؤسسه تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران و نیز مراکز پژوهشی درگیر در مسائل روستایی نقش اساسی داشته‌اند. مطالعه اجتماعی علمی مربوط به جامعه روستایی از پنج دهه قدمت برخوردار است. بنابراین کسب هر نوع شناخت علمی از وضعیت اجتماعی بخش روستایی ایران نیاز به آگاهی از روند تحول تاریخی و اجتماعی این بخش به‌خصوص در طی چند دهه اخیر در مقیاس ملی و حتی فراملی دارد. زیرا این بخش به‌دلیل گستره جمعیتی و فضایی و در نهایت نقش و سهمی که در فرایند توسعه ملی دارد نمی‌تواند به‌عنوان بخشی مجزا و جدای از کلیت جامعه ایران مورد فهم و تبیین قرار گیرد. گرچه این تحول مطالعاتی به‌دلیل همگرایی و پیوند نزدیک‌تر با واقعیت‌های جامعه روستایی به‌نظر می‌رسد که مطالعات این حوزه را بومی‌تر و متن‌گرایانه‌تر کرده است، لیکن هرگز نمی‌توان تاثیر آهنگ و روند تحول در رویکردها و مطالعات

تحلیلی بر مطالعات روستایی در ایران

جامعه‌شناسی روستایی را در مقیاس جهانی¹ را بر این حوزه مطالعاتی نادیده گرفت. این مقاله به‌دنبال مشخص نمودن سهم مطالعات اجتماعی روستایی در علوم اجتماعی است و تشخیص اینکه چه

1 به اختصار این سیر تحول را می‌توان چنین ترسیم کرد که جامعه‌شناسی در نقطه شروع خود اگرچه هم وغم خود را مصروف نظام سرمایه‌داری و جامعه مدرن در قالب فرایندهای صنعتی شدن و شهری شدن و نیز پیامدهای مثبت و منفی این فرایندها نموده بود لیکن از مباحث مربوط به دیگر نظام‌های اجتماعی که پایگاه غیرشهری داشته‌اند غافل نبوده است. ماکس وبر در سال 1891، اثر مهم‌اش درباره تاریخ ارضی رم که معادل رساله دکترا شناخته شد را عرضه کرد. اثری که برای تدریس در دانشگاه‌های آلمان ضروری بود (در آلمان آن زمان سیاست ارضی در دانشگاه‌ها تدریس می‌شد). پس از این اثر او بررسی‌های گوناگونی درباره وضع کارگران کشاورزی کرانه شرقی آلپ به‌عمل آورد (کوزر، 1368: 324). به‌نظر می‌رسد تمایز بین گماین‌شافت و گزل‌شافت مورد نظر تونیس حاصل مقایسه او بین روستاهای منطقه بومی خویش با جامعه گسترده‌تری که به‌شدت به‌طرف شهری شدن، صنعتی شدن و مدرن شدن پیش می‌رفت بود (کوزر، 1373). فرض تونیس در خصوص استحاله روستاییان پایبند سنت به شهریانی بی‌قرار و مضطرب، برخاستن از سر راه و رسم جافتاده و افتادن در مسیر پر تحرک اجتماعی و تلاش برای مقابله با مشکلات ناشی از این تغییرات، موضوع اصلی تحقیقات متنوع جامعه‌شناسان آمریکایی بوده است که با کار توماس و زنانیسکی یعنی روستاییان لهستانی در اروپا و آمریکا (1918) شروع می‌شود (کانمن، 1373: 31). در ایالات متحده، دولت‌ها جهت حل مشکلات اجتماعی مهاجرین و روستاییان جامعه‌شناسان را دعوت به پژوهش و ارائه مشاوره‌های علمی و خدماتی نمودند. از دهه 1930 به‌بعد به‌منظور پژوهش در خصوص مشکلات روستایی و گسترش برنامه‌های ترویج دپارتمان‌های تخصصی جامعه‌شناسی روستایی در آمریکا شکل گرفتند که پیوند خیلی نزدیکی با سازمان‌های دولتی بخش کشاورزی داشتند. این فعالیت در بعد از جنگ جهانی دوم با ظهور سبک خاصی از پژوهش که متمرکز بر پژوهش‌هایی در خصوص گسترش نوآوری‌های فنی، تفاوت بین سبک‌های زندگی روستایی و شهری، الگوهای تحرک شغلی و آموزشی و تأثیر برنامه‌های توسعه محلی بود تقویت و تثبیت شد. پژوهش در این ابعاد متنوع عمدتاً از روش‌شناسی تجربه‌گرایی که مبتنی بر بهره‌گیری از فنون پرسشنامه، مصاحبه‌های رسمی و تحلیل‌های کمی بود تبعیت می‌کرد. چارچوب مسلط برای تحلیل یافته‌های تجربی ایده پیوستار روستایی - شهری بود، که تفاوت الگوهای اجتماعی و فرهنگی با ارجاع به جایگاه جوامع بر روی این پیوستار مورد تبیین قرار می‌گرفت. در دهه 1950 و آغاز دهه 1960 غلبه سنگین رویکرد تجربه‌گرایی و اثبات‌گرایی خام بر جامعه‌شناسی روستایی انجام پژوهش کاربردی مورد نظر دولت‌ها و یا کشاورزی تجاری را در این رشته تقویت کرد. این امر عمدتاً از حمایت سنت جامعه‌شناسی آمریکایی و سپس بخش‌هایی از اروپا از جمله انگلستان برخوردار بوده که به‌نظر لانگ نقدهای زیادی را متوجه این رشته نموده است (لانگ، 1989: 719). این ایده در دهه 1950 و 1960 در قالب پژوهش جامعه‌شناسی روستایی سازماندهی شد و به برخی از کشورهای اروپایی و کشورهای جهان سوم فرستاده می‌شود. به‌نظر هافستی (1963) این بسته را باید به‌اصطلاح به‌عنوان برنامه کمک ذهنی مارشال (mental Marshal aid) تلقی کرد که در اروپا و بخش‌هایی از آمریکای لاتین و آسیا ترویج و اشاعه یافت و زمینه را برای شکل‌گیری انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی روستایی (IRSA)

بخش‌هایی از این حوزه وسعت بیشتری یافته و چه بخش‌هایی وسعت کمتری یافته‌اند. همچنین این مقاله درصدد نشان دادن پیوند بین تحولات اجتماعی و تحولات در حوزه علمی علوم اجتماعی و به‌ویژه مطالعات روستایی است و در نهایت اینکه این بررسی می‌تواند تنگناها و کاستی‌های این حوزه را آشکار نماید.

روش تحقیق

در این مقاله تلاش شده است تا با روش تاریخی و به شیوه اسنادی، با توجه به مطالعات موجودی که نیازهای پژوهشی و آموزشی موجب تولید آنها شدند و نیز ساختار و محتوایی که

فراهم نمود (لانگ، 1989: 720). در پایان دهه 1960 ایده پیوستار روستایی-شهری به‌لحاظ نظری شکست خورد. بررسی‌های متعددی نشان دادند که تفاوت در الگوهای اجتماعی و فرهنگی قابل انطباق با تفاوت در محیط‌های فضایی و بوم‌شناختی نمی‌باشند. در این دوره مطالعات دهقانی در قالب جامعه‌شناسی توسعه روستایی، توجه به فرهنگ و شیوه زندگی روستایی، نقش سازمان‌های توسعه‌ای و تغییرات فنی در روستاها و فرایند مهاجرت‌های روستایی مورد اهتمام مردم‌شناسان اجتماعی چون اسکار لوئیس، فاستر و دیگران قرار گرفت. علاوه‌براین بررسی‌های مبتنی بر عوامل اجتماعی و روان‌شناختی در قالب رویکرد نوسازی روانی چندصباحی قوت گرفتند لیکن این نوع مطالعات نیز به‌دلیل نادیده‌گرفتن شرایط ساختاری، فرصت‌های جدید پیش‌روی روستاییان و شبکه‌های اجتماعی مواجه با نقدهای تندی شدند. در دهه 1970 توجه به کشاورزی تجاری مبتنی بر سرمایه موجب نوعی چرخش در جامعه‌شناسی روستایی و کشاورزی شد که توجه به بررسی‌های تطبیقی در خصوص اشکال مختلف بهره‌برداری کشاورزی، مالکیت زمین، ساختار قدرت، سیاست دولت‌ها در قبال روستاها و بخش کشاورزی، نابرابری‌های منطقه‌ای، جنبش‌های دهقانی، سیاسی‌شدن روستاییان، اصلاحات ارضی، کشاورزی تجاری و ... بحث‌های جدیدی را برای تدوین چارچوب مفهومی و نظری جامعه‌شناسی روستایی رقم زدند. در این رویکرد بحث‌های ساختاری و ارتباط و پیوند بین روستاها و مراکز شهری و حتی بخش‌های اصلی در قالب زنجیره‌های وابستگی از اعتنای گسترده‌تری برخوردار شدند. در دهه 1980 موضوعات محیطی و اقتصاد روستایی غیرکشاورزی در دستور کار جامعه‌شناسان روستایی قرار گرفت. در دهه 1990 طرح مباحث رفاهی و کیفیت زندگی، توسعه پایدار، کیفیت زندگی محیطی همراه با طرح بحث آلودگی‌های صنعتی و فرسایش منابع روستایی مورد توجه قرار گرفته است. در سال‌های اخیر موضوعاتی چون نفوذ نظام‌های ارتباطی، فرایند مدرنیته و جهانی‌شدن در جهان زندگی اجتماعی و فرهنگی روستاییان و نیز تحول و تکثر در هویت و تغییرات پرشتاب نسلی در روستاها مورد مذاقه پژوهشگران این حوزه واقع شده است.

تحلیلی بر مطالعات روستایی در ایران

نوشته‌های این حوزه از آن برخوردارند، روند تولید نوشتجات مربوط به مطالعات روستایی در سه بخش مورد تحلیل قرار گیرد.

- آثار کلی و تک‌نگاری‌ها در مطالعات روستایی،
- مطالعات انجام شده با جهت‌گیری تاریخی و نظری،
- آثار و مطالعات انجام شده با جهت‌گیری آموزشی.

روند تولید نوشتجات روستایی

آثار، نوشته‌ها و تولیدات مربوط به بخش روستایی را می‌توان در سه بخش دسته‌بندی کرد:

1- آثار کلی و تک‌نگاری‌ها در مطالعات روستایی

در این دسته از مطالعات نگاهی کلی و بدون چارچوب و جهت‌گیری نظری نسبت به جامعه روستایی مطرح است و بر آنها در درجه نخست نگاه توصیفی حاکم است و در مواردی نیز با هدف اکتشاف به رشته تحریر در آمده‌اند¹. این آثار قابل تقسیم‌بندی به دو دسته عام و خاص می‌باشند. در بخش آثار عام با برخورداری از سابقه نسبتاً بلند، بیشتر می‌توان از سفرنامه‌ها، نوشته‌های تاریخی و به‌خصوص آثار جغرافی‌دانان یاد کرد. خصوصاً سلسله کتاب‌هایی از آثار جغرافی‌دانان اسلامی قرن سوم هجری به بعد در دست است که دسته‌ای از آن به نام مشترک «مسالك و الممالک» خوانده می‌شود و در آنها اطلاعاتی درباره نواحی، شهرها و روستاها، وضع اقتصادی، نوع فعالیت، میزان مالیات‌ها، و نیز فواصل و وضع راه‌ها آورده شده است. در بخش خاص می‌توان از تک‌نگارهای روستایی نام برد².

1 سنت تک‌نگاری‌نویسی از آغاز طرح جامعه‌شناسی مطرح بوده است. در فرانسه دورکیم تک‌نگاری روستاها را وارد آموزش‌های مدارس تربیت معلم کرد، به این امید که معلمان به ناظران خوب زندگی روستایی تبدیل شوند. در اروپا آغازگر مطالعه در حیات جامعه روستایی را می‌توان فردریک لویله دانست که مونوگرافی‌های علمی در زمینه روحيات و محیط‌های اجتماعی به‌خصوص محیط‌های دهقانی به رشته تحریر درآورد (وثوقی، 1366: 5). مکتب جامعه‌شناسی رومانی به رهبری دیمتری گوتسی که در پژوهش محلی چندرشته‌ای تخصص یافته بود بیش از یکصد تک‌نگاشت جمع‌آوری کرده بود. علاوه‌براین در دهه 1950 شاگردان رابرت ردفیلد و کزرو آزنبرگ در سرتاسر جهان پراکنده شدند تا به مطالعه روستاها بپردازند، خرمن تک‌نگاری‌هایی که آنان طی دو دهه ذخیره کردند چشمگیر است (مندارس، 1384: 19-318).

مطالعات تک‌نگاری را باید به دو دسته تقسیم نمود. 1- تک‌نگاری‌هایی که به‌عنوان مکمل و تکمیل‌کننده بررسی‌های اجتماعی اقتصادی مناطق روستایی انجام شده‌اند. 2- تک‌نگاری‌هایی که به‌صورت مستقل انجام شده‌اند. تک‌نگاری روستایی از سال 1301 هجری قمری، با تألیف کتاب «مطلع‌الشمس» آغاز می‌شود. در این کتاب تک‌نگاری تعدادی از روستاهای شمالی کشور را نیز می‌توان یافت و در سال‌های 1316 و 1317 تقی بهرامی در کتاب سه‌جلدی به نام «فرهنگ روستایی» (با دایره‌المعارف فلاحتی) اطلاعات جالبی را از این حیث درباره روستاهای ایران به‌دست داده است و متعاقب آن در سال 1328 کتاب فرهنگ جغرافیایی ایران از طریق سازمان جغرافیایی ارتش منتشر شد که برای نخستین بار درباره مختصات جغرافیایی، تقسیمات سیاسی کشوری، نوع اقلیم، وضع طبیعی، جمعیت، زبان، مذهب، نوع منبع آب‌آشامیدنی و زراعی، تولیدات اصلی و نوع فعالیت‌های معیشتی تک‌تک آبادی‌های کشور اطلاعات بی‌نظیری را عنوان کرده است (زاهدی مازندرانی، 1373: 158). به موازات مطالعات مذکور، به تعدادی از تک‌نگاری‌ها نیز برمی‌خوریم که توسط محققان با استفاده از شیوه‌های علمی و منظم نوشته شده است. به‌عنوان مثال در این رابطه آل‌احمد سعی کرد که از روابط تولیدی و انگاره‌های فرهنگی و سایر جنبه‌های زندگی روستایی ایران تصویر روشنی عرضه کند.¹

1 از مهم‌ترین این تک‌نگاری‌ها عبارتند:

- اورازان به قلم جلال آل‌احمد، 1331.
- تات‌نشین‌های بلوک زهرا به قلم جلال آل‌احمد، 1337.
- خارک، در یتیم خلیج فارس به قلم جلال آل‌احمد، 1339.
- ده فشندک، هوشنگ پورکریم، 1341.
- قلعه شاهین، فریده عنایت، 1342.
- یوش، سیروس طاهباز، 1342.
- ایلخچی، غلامحسین ساعدی، 1342.
- دهکده شالما، طاهره اعتمادی، 1343.
- خیابو یا مشکین‌شهر، غلامحسین ساعدی، 1344.
- دهکده ساعتلو، موریو انو، 1345.
- ده طالب‌آباد، جواد صفی‌نژاد، 1345.
- میکائیل‌آباد، مهدی طالب، 1346.
- ابراهیم‌آباد، موریو انو و مهدی طالب، 1346.
- حسن لنگی، علی‌اکبر نیک‌خلق، 1346.

تحلیلی بر مطالعات روستایی در ایران

علاوه بر این نگارش پایان‌نامه‌های دانشجویی در قالب مونوگرافی و دیگر پژوهش‌های روستایی را نباید از نظر دور داشت. همچنین باید به گزارش‌های اقتصادی و اجتماعی حاصل از داده‌ها و اطلاعات تولیدشده در قالب سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و نیز دیگر آمارگیری‌های مربوط به بخش روستایی و کشاورزی نیز اشاره کرد که زمینه را برای مطالعات کمی‌گرایانه توسط پژوهشگران حوزه مطالعات روستایی فراهم می‌کردند. در اوایل دهه 1340 شاهد شکل‌گیری گروهی تحت عنوان «گروه تحقیق در مسائل اقتصاد کشاورزی» در مؤسسه تحقیقات اقتصادی وابسته به دانشکده حقوق دانشگاه تهران هستیم که به تحقیقات میدانی در نقاط روستایی کشور پرداخته و آثارشان را که بیشتر در زمینه‌های مرتبط با اصلاحات ارضی بود در مجله فصلنامه تحقیقات اقتصادی منتشر کردند. در سال 1343 نیز در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بخش ویژه‌ای بدین‌منظور تحت سرپرستی کاظم ودیعی تأسیس شد. این بخش اولین مطالعات جامعه‌شناختی خود را در روستاهای ایلام انجام داد. نتایج این مطالعه تحت عنوان «بررسی اقتصادی و اجتماعی روستاهای ایلام» در مهرماه 1344 منتشر شد (زاهدی مازندرانی، 1373). این دسته از نوشته‌ها به‌طور خاص بر مطالعات میدانی به‌طور عمده بر اساس داده‌های سرشماری‌های عمومی و انجام مطالعات میدانی که از جانب سازمان‌های متولی بخش روستایی توصیه و حمایت می‌شدند استوار هستند. فهرست انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران از 1337 تا 1358 نشان می‌دهد در مطالعات انجام شده از سوی محققان خارجی و یا با مشارکت آنها، از شیوه پرسشنامه استفاده نشده اما در بیشتر مطالعات محققان ایرانی در همان دوره و نیز در طرح‌های پژوهشی دانشگاه‌ها در دوران پس از انقلاب اسلامی، پرسشنامه تنها شیوه عمده مطالعه بوده است (طالب، 1372: 225). این روند را نمی‌توان بی‌ارتباط با سنت حاکم بر مطالعات جامعه‌شناسی روستایی در دهه‌ها 1950 و 1960 دانست که در این دوره انجام پژوهش کاربردی مورد نظر دولت، که معمولاً پژوهش‌های کمی و آماری هستند، مورد اقبال و توجه مراکز پژوهشی و اجرایی، بدون هر نوع قضاوت در خصوص کارایی و اعتبار درونی و بیرونی آنها بوده‌اند.

2- مطالعات انجام شده با جهت‌گیری تاریخی و نظری

این نوع مطالعات برخلاف بررسی‌های دسته‌نخست برخوردار از جهت‌گیری‌های نظری، روش‌شناختی و حتی در مواردی همراه با سوگیری‌های ارزشی و ایدئولوژیکی نیز می‌باشند که بر پایه

روش‌های تاریخی-تطبیقی کیفی از نوع طولی و بین کشوری، روش‌های موردی از نوع تحلیلی و اکتشافی و نیز تحلیل عملکردی تاریخی و در نهایت آزمون نظری برخی از نظریه‌های جامعه‌شناختی توسعه روستایی انجام شده‌اند.¹ انتشار آثار تاریخی چون «تاریخ کشاورزی ایران» اثر تقی بهرامی (1330) که بیشتر خصلت توصیفی داشت، «کشاورزی و مناسبات ارضی ایران عهد مغول» اثر ایلیا پاولیچ پتروففسکی ترجمه کریم کشاورز (1347)، که با تأثیر پذیری و الهام از اندیشه تطور مارکسی و تاریخ‌نویسی روسی مناسبات ارضی ایران را مورد تحلیل قرار می‌دهد، نوشته‌های تاریخی-جامعه‌شناختی احمد اشرف² که بی‌تأثیر از بحث‌های روش‌شناختی و فکری-تاریخی جامعه‌شناسان کلاسیک به‌ویژه ماکس وبر و سپس مارکس و پیروان نقاد او نمی‌باشند، «تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فنودالی ایران» اثر محمدرضا فشاهی (1354) که بی‌تأثیر از تاریخ‌نگاری مستشرقان نیست.³ همچنین کتاب «تکوین سرمایه‌داری در ایران» محمدرضا فشاهی (1360) و نوشته‌های سوداگر (1357)⁴، فرهاد نعمانی (1358) در مورد فنودالیسم⁵، محمدعلی همایون کاتوزیان⁶ و اثر عباس‌ولی⁷ که با شیوه روش‌شناختی متفاوتی به بررسی وضعیت اجتماعی-تاریخی ایران پیش از سرمایه‌داری می‌پردازد و در مواردی نقدهای تندی را متوجه پژوهشگران پیش از خود می‌کند و در نهایت،

-
- 1 البته این نکته را نیز نباید در نظر داشت که در این دسته از نوشتجات با آثاری نیز مواجه هستیم که پژوهشگران با یک نوع ناخودآگاهی روش‌شناختی تولید و تدوین نموده‌اند. به این معنا که در نوشته‌های خود به صورت مشخص و صریح از شیوه روش‌شناسی مورد استفاده بحثی به میان نیاورده‌اند.
 - 2 نظام آسیایی یا نظام فنودالی (1346). مجله جهان نو، شماره‌های 5-7.
 - درباره نظام آسیایی (1348). مجله جهان نو، شماره 3.
 - نظام‌های بهره‌برداری در ایران (1354). تهران: سازمان برنامه و بودجه.
 - 3 در خصوص اثر فشاهی نقد بهروز امین (1357). تحت عنوان «در باره فنودالیسم ایران قبل از مشروطه» با عنوان فرعی «نقدی بر کتاب تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فنودالی ایران» حاوی مطالب قابل توجهی است.
 - 4 سوداگر، محمد (1357). نظام ارباب و رعیتی در ایران. تهران: پازند.
 - 5 تکامل فنودالیسم در ایران (1358). تهران: انتشارات خوارزمی.
 - 6 نوشته‌های کاتوزیان در خصوص موضوع مورد نظر در مجموعه‌های مختلفی به رشته تحریر درآمده‌اند که می‌توان در آثار زیر آن را دنبال کرد:
 - اقتصاد سیاسی ایران (1366). ترجمه محمدرضا نفیسی. جلد اول، تهران: پایروس.
 - استبداد، دموکراسی و نهضت ملی (1372). تهران: نشر مرکز.
 - تضاد دولت و ملت نظریه تاریخ و سیاست در ایران (1380). ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
 - 7 ایران پیش از سرمایه‌داری (1380). ترجمه حسن شمس‌آوری. تهران: نشر مرکز.

تحلیلی بر مطالعات روستایی در ایران

نوشته‌های دیگر این حوزه در ارتقای دانش جامعه‌شناسی تاریخی جامعه روستایی ایران نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. علاوه بر این در سال 1339 اثر مشهور خانم لمبتون تحت عنوان «مالک و زارع در ایران» را نیز نباید از نظر دور داشت که از این منظر حاوی اطلاعات قابل اعتنائی است.

از سال‌های 1350 به بعد مطالعات حوزه روستایی کشور ابعاد سیاسی-اجتماعی پیدا کرده و نقد و بررسی پیامدهای اصلاحات ارضی در نگاه موافقین و مخالفین بیشترین سهم را در نوشته‌های این دوره داشته است. همچنین مطالعات مربوط به نظام‌های بهره‌برداری روستایی با عنایت به تغییراتی که در نظام مالکیت و عوامل تولید به وجود آمده بود نیز مورد مذاقه قرار گرفت. این آثار در پی بیان وضعیت تولید و سهم و تأثیری که واحدهای مختلف تولیدی در جامعه روستایی دارند، بودند. آثار منتشر شده در بعد از انقلاب اسلامی با توجه به اینکه پیامدهای برنامه اصلاحات ارضی از نمود و پیدایی بیشتری در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برخوردار شده بودند به صورت منظم‌تر و با الهام و بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری مرسوم در حوزه بررسی‌های جامعه‌شناختی انجام شده‌اند.

مصطفی ازکیا (1364 و 1365) بر این باور است که اصلاحات ارضی به نفع گروه‌های دهقانی مرفه و مالکان بزرگ با اراضی مرغوب و معاف از تقسیم و به ضرر قشرهای فقیر روستایی بود. اصلاحات ارضی و سایر برنامه‌های توسعه روستایی رژیم پهلوی تنها به افزایش نابرابری‌های اقتصادی در میان دهقانان ایران انجامید و بدهی دهقانان نسبت به قبل از اصلاحات ارضی به بیش از سه برابر رساند و سهم بالایی از اعتبارات تخصیص‌یافته به بخش کشاورزی عاید واحدهای بزرگ زراعی گردید. با اصلاحات ارضی دولت حضور خود را در روستاها تثبیت کرد زیرا قدرت سیاسی مالکان بدون انتقال به دهقانان به دولت واگذار شد. مسعود کارشناس در کتاب خود تحت عنوان نفت، دولت و صنعتی‌شدن در ایران (1382) به تحول نظام کشاورزی و مناسبات ارضی حاصل از تجربه اصلاحات ارضی پرداخته و معتقد است اصلاحات ارضی آثار شگرفی را به خصوص از حیث ورود و مداخله دولت در تغییر نظام سنتی کشاورزی داشته است. در دوره اصلاحات ارضی بخش کشاورزی حجم بالایی از منابع نفتی را دریافت کرد که پیامدهای ناگوار اقتصادی آن را نمی‌توان نادیده گرفت. در نظر امجد (1380) برنامه اصلاحات ارضی هدفی مساوات‌طلبانه نداشت و در نتیجه شکاف میان روستاییان فقیر و ثروتمند را عمیق‌تر کرد. هالیدی از منظر روابط بین‌المللی ایران با کشورهای غربی به خصوص آمریکا پژوهش‌هایی را انجام داده است و معتقد است برنامه‌های اصلاحی که توسط شاه در قالب

انقلاب سفید اجرا شد پاسخی به تقاضای دولت کندی بود. هرچند که او مسأله وابستگی فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی را به کشورهای بیگانه در تهیه ماشین‌آلات کشاورزی و کارخانه‌های تبدیل مواد کشاورزی به مواد ساخته شده و از همه مهم‌تر موضوع کارشناسان خارجی را که در بخش‌های مختلف اقتصادی فعالیت می‌کردند، نادیده گرفته است (ازکیا، 1365). معدل (1382) شرایط بین‌المللی و وابستگی و پیوند دولت با اقتصاد سرمایه‌داری جهانی را موجب اجرای اصلاحات ارضی و تغییر در سیاست‌های توسعه کشاورزی دانسته است. اریک هوگلند (1982) بر این باور است که اصلاحات ارضی به تثبیت و حضور دولت در روستاها انجامید. به‌نظر شیرازی اقتدارگرایی و تمرکزگرایی رژیم که حتی اجازه تفکر مستقل در رده‌های بالایی دیوانسالاری را نمی‌داد، موجب شده بود که سیاست کشاورزی رژیم فاقد ویژگی‌های مشارکتی و آزاد باشد. یکی از پیامدهای انقلاب سفید که مبتنی بر اصلاحات ارضی بود، مداخله دولت در مناطق روستایی و کشاورزی بود که چنین مداخله‌ای در جامعه روستایی سابقه نداشته است (شیرازی، 1993).

به‌نظر فیشر (1977) اصلاحات ارضی، انقلابی از بالا بود که هدف آن ایجاد یک طبقه زمین‌دار مدافع و حامی رژیم بود. پورافضل و نجفی (1351) از منظر اقتصادی مهم‌ترین کارکرد اصلاحات ارضی را در برقراری ارتباط بین زارع روستایی و بازار می‌بینند و بر این مبنا اصلاحات ارضی را یگانه عامل تغییر در ساختار اقتصادی و اجتماعی روستا می‌دانند. مطالب موجود در زمینه اصلاحات ارضی را می‌توان به دو دسته وسیع تقسیم کرد: دسته اول شامل مطالعاتی است که به دفاع از اصلاحات ارضی پرداخته مثلاً لمبتون و وارینر از اصلاحات ارضی به‌دلیل شکستن مناسبات ظالمانه ارباب و رعیتی دفاع نموده‌اند¹. داریوش همایون (1342) اصلاحات ارضی را برای بسط نظم، عدالت و برابری اجتماعی در روستاها می‌داند. کاتبی (1972) عملکرد شرکت‌های سهامی زراعی را با استفاده از

1 کتاب لمبتون تحت عنوان «مالک و زارع در ایران» فاقد هر گونه اطلاعات آماری بوده و جنبه توصیفی آن بر جنبه‌های تحلیلی برتری دارد. اکثر مؤلفان و محققان خارجی که درباره ایران، به‌ویژه روستاهای ایران، مطالعاتی انجام داده‌اند از کتاب مذکور به‌عنوان مرجع استفاده کرده‌اند. لمبتون در دهه 1960 مسافرت‌های متعددی به مناطق روستایی ایران کرده و ظاهراً بیش از 200 آبادی را مورد بازدید قرار داده است. حاصل این مسافرت‌ها کتاب دیگری است به‌نام «اصلاحات ارضی در ایران بین سال‌های 66-1962». لمبتون درباره زندگی اقتصادی روستاییان و تأثیرات اصلاحات ارضی، به تحلیل کیفی منظمی نپرداخته و میزان زمین تقسیم‌شده و متوسط زمین دریافتی توسط هر خانوار روستایی در کتاب او مشهود نمی‌باشد. از همه مهم‌تر مؤلف به تأثیر اصلاحات ارضی در ساخت اجتماعی روستا توجه ندارد.

تحلیلی بر مطالعات روستایی در ایران

آمارهای دولتی مورد ارزیابی قرار می‌دهد و بر عملکرد موفق اقتصادی آنها صحه می‌گذارد و آن را الگو و راه‌حلی برای توسعه روستایی ایران مطرح می‌نماید. دنمن (1973) به دفاع و تحسین از سیاست‌های کشاورزی رژیم پهلوی پرداخته است اثر او مبتنی بر آمارهای اخذ شده از وزارت تعاون و امور دولت‌ها است. دنمن شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی‌ها را موجب ارتقاء درآمد و بهبود در سطح زندگی دهقانان می‌داند. آن‌چنانکه آرمویک (1976) با توجه به افزایش تولید ناخالص ملی در ایران، آن را نشانگر خیز اقتصادی جامعه ایران می‌داند و با دفاع از ایده رخنه به پایین، سیاست‌های حمایتی دولت از واحدهای زراعی بزرگ را سازوکار مؤثری برای توسعه ایران به‌شمار می‌آورد.

کدی، کاتوزیان، آبراهامیان، ریچاردز و خسروی اصلاحات ارضی را یک فرم بورژوازی قلمداد کرده‌اند. این گروه اصلاحات ارضی را به‌عنوان طرحی می‌دانند که سعی دارد به ایجاد یک قشر بورژوازی روستایی به ضرر سایر قشرهای فقیر دهقانی بپردازد. پاره‌ای از این محققان اصلاحات ارضی را پاسخی بر ناآرامی‌های دهقانان از سوی دولت قلمداد کرده‌اند. در میان این گروه باید به محققانی نظیر هوگلند، مکلاخلن، گراهام و اخیراً هالیدی اشاره کرد.

دسته دوم محققانی هستند که برای درک چگونگی انتقال جامعه روستایی سنتی ایران به یک جامعه مدرن، از نظریه نوسازی¹ کمک گرفته‌اند. این شیوه برخورد، دلایل توسعه‌نیافتگی را نتیجه نقائص ساختی کارکردی درون جامعه می‌داند. به‌بیان دیگر عواملی نظیر «وجه‌نظرهای»² سنتی نسبت به زندگی، «فقدان انگیزه پیشرفت»³، «فقدان روحیه سرمایه‌گذاری»، وجود روحیه «تقدیرگرایی»⁴ و غیره به‌عنوان موانع توسعه نیافتگی در این کشورها ذکر شده است. از منظر نظریه نوسازی، زمین‌داری متمرکز مانع توسعه سیاسی در روستاهاست. اصلاحات ارضی عاملی مهم برای گشودن درها به‌سوی توسعه سیاسی است و باعث ثبات سیاسی و توزیع مجدد و آرام قدرت سیاسی در روستاها می‌شود (لهسایی‌زاده، 1387: 42).

پیروان این مکتب معتقدند که این عناصر را می‌توان از طریق اشاعه فرهنگی در جامعه از بین برد. از میان محققانی که در تحلیل مسائل روستایی و کشاورزی ایران این دیدگاه را انتخاب کرده‌اند می‌توان عجمی، آرسویک، کاتبی، آلبرت، امیرصادقی، فریرر، دنمن و جال را نام برد که مطالعات‌شان

1 Modernization theory

2 attitudes

3 Lack of achievement Motivation

4 Fatalism

درباره ایران فاقد هر گونه ارزشیابی انتقادی است. عجمی در کتاب شش‌دانگی (1350) با الهام از نظریه نوسازی به‌خصوص نوسازی اجتماعی و روانی به بررسی برخی از روستاهای استان فارس پرداخته است و نیز در سال (2005) نیز باز از منظر نظریه کارکردی-ساختی با تأکید بر نظریه گذار کشاورزی، تحولات جامعه روستایی ایران را مورد بررسی قرار داده است. البته به‌غیر از او حتی در سال‌های اخیر در چارچوب نظریه نوسازی پژوهش‌های زیادی صورت گرفته‌اند.

از میان مطالعات با ارزشی که درباره اصلاحات ارضی ایران انجام شده باید به تحقیق هوگلند اشاره کرد. شیوه مطالعه او ترکیبی از کار کتابخانه‌ای و مشاهده در مناطق مختلف روستایی ایران می‌باشد. نامبرده مناطق روستایی ایران را در زمان‌های مختلف مورد مطالعه قرار داد و با مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ارتباط نزدیک داشت. کتاب او حاوی اطلاعاتی در زمینه زندگی روستایی قبل از اصلاحات ارضی و نیز چگونگی اجرای اصلاحات ارضی است. هوگلند مدعی است که اراده شاه سابق در اجرای اصلاحات ارضی از دلایل مهم تقسیم اراضی در ایران بوده است. زیرا شاه می‌دید که در خاورمیانه ایران تنها کشوری است که در آن اصلاحات ارضی صورت نگرفته است. در این کتاب هیچ‌گونه تحلیلی از فشارهای خارجی به‌ویژه ایالات متحده در اجرای اصلاحات ارضی شاه در ایران نشده است.

از گروه محققانی که در خارج از ایران زندگی می‌کردند و به نگارش مقالات و کتب اقتصادی متعددی درباره ایران پرداخته‌اند می‌توان به کاتوزیان، حسین ملک و آبراهامیان اشاره کرد. برخی از محققان دیگر نظیر: عجمی، کاتبی، دمن و آرسویک به حمایت و توجیه برنامه‌های توسعه روستایی که از جانب رژیم گذشته اعمال می‌شد پرداخته‌اند. عجمی مقالات متعددی در حمایت از اصلاحات ارضی شاه نوشت. کاتبی به ارزشیابی عملکرد شرکت‌های سهامی زراعی پرداخته و این واحدها را دارای عملکرد اقتصادی قابل ملاحظه‌ای می‌داند و پیشنهاد می‌کند که از الگوی شرکت سهامی زراعی به‌عنوان تنها راه‌حل برای توسعه روستایی ایران استفاده شود. دمن (1973) ایجاد شرکت‌های سهامی زراعی را سبب افزایش قابل ملاحظه سطح زیر کشت و میزان آب مورد نیاز روستاییان ارزیابی کرده است. آرسویک (1976) نیز بدون اینکه سیاست‌های دولت را در زمینه کشاورزی تحلیل کند بیشتر درباره اثر منابع بالقوه منطقه‌ای در توسعه کشاورزی بحث می‌کند و به‌اندازه واحدهای زراعی در

تحلیلی بر مطالعات روستایی در ایران

توسعه روستایی ایران اشاره می‌شود. آرسویک از طرفداران نظریه رخنه‌به‌پایین¹ منافع اقتصادی در میان گروه‌های مختلف مردم است. برطبق این نظریه دولت می‌تواند با تقویت مالی ثروتمندان به طبقات فقیر کمک کند.

توجه به تغییرات ساختاری بر مبنای تغییر در نظام قشریندی اجتماعی که به نوعی دلالت بر چگونگی توزیع نظام قدرت در جامعه روستایی دارد نیز از موضوعاتی است که بیشتر محققان روستایی به آن پرداخته‌اند. این توجه در قالب سه دوره قبل از اصلاحات ارضی، بعد از اصلاحات ارضی تا پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه روستایی قبل از اصلاحات ارضی که در قالب نظام ارباب-رعیتی اداره می‌گردید جامعه‌ای بسته بود که به‌لحاظ جامعه‌شناختی از مجموعه‌ای از خانوارهای خرده مالک، زارع صاحب‌نسق و فاقد نسق (خوش‌نشین)، مالکان و عوامل آنها و تعدادی صنعت‌گر، کسبه و رباخوار تشکیل شده بود. چنین جامعه‌ای ارتباط بسیار ضعیفی با جوامع اطراف خود به‌خصوص شهرها داشته و به‌رغم برخورداری از سطحی از تمایز اجتماعی نگاه به‌درون و حالتی مستقل و خودبسندگی داشته و در مقیاسی فراتر از محدوده روستا فاقد قدرت سیاسی و اقتصادی بوده است (غفاری، 1383: 124). «زمین‌داران می‌کوشیدند تا با حفظ انزوای سنتی اجتماعات روستایی قدرت خود را پایدارتر کنند. آنها با انکار حق کشت نسق‌داران غایب، بی‌حرکی مکانی را تشویق می‌کردند. رابطه رعیت (زارع) با بازار را محدود می‌کردند. «صفی‌نژاد» عنوان می‌کند که حتی در اواخر دهه 1340 نیز برخی بنه‌ها نمی‌توانستند بدون اجازه ویژه مباشر محصولات اضافی خود را در بازار عرضه کنند. آنها حتی از طریق مخالفت با نوآوری‌هایی همچون ایجاد مدارس روستایی رابطه دهقان (رعیت) با مقامات دولتی را محدود می‌کردند. در دهه 1320 زمین‌داران برای حفظ انزوای روستاها از میزان بالای بی‌سوادی، وجود اختلافات قبیله‌ای، زبانی و مذهبی، بی‌اعتمادی سنتی دهقانان نسبت به شهری‌های مقیم روستا، رواج کشاورزی معیشتی و نبود جاده، رادیو و دیگر اشکال ارتباطی بهره‌برداری می‌کردند» (آبراهامیان به‌نقل از صفی‌نژاد، 1377: 468). در چنین جامعه‌ای تحرک اجتماعی در سطح پایین و تقسیم کار اجتماعی ساده مبتنی بر ویژگی‌های جنسی و سنی در واحد تولیدی خانوار وجود داشت. در سطح فراتر از «خانوار» و در «بنه» به‌عنوان واحد تولیدی جمعی تقسیم کار مبتنی بر مهارت و تجربه وجود داشته

1 Trickle-down

است. نظام خویشاوندی به عنوان عامل انسجام بخش، دو واحد تولیدی یاد شده را تحت نفوذ مؤثر خود داشت. در چنین نظامی روابط نابرابری بین مالک و زارع وجود داشت و زارعان به اشکال مختلفی تحت استثمار و بهره‌کشی اربابان بودند ولی به دلیل بسته بودن جامعه و حاکمیت خاص‌گرایی، سنت‌گرایی و احترام به مقام بالاتر این فشارها کمتر تبدیل به شورش و اعتراض می‌شدند به عبارتی قدرت و اقتدار حاکم بر این جامعه از نوع سنتی بود که یا به طور مستقیم از طرف مالک و یا نمایندگان او مباشر و کدخدای، که حافظ منافع مالک بودند اعمال می‌شد. در این مرحله کشاورزان و روستاییان ایران برای تأمین و تنظیم آب یا چیزهای دیگر به دولت وابسته نبودند، این دولت بود که برای مازاد محصولات کشاورزی که یا مستقیماً و یا به طور غیرمستقیم و از طریق مالکان و مقطعان وصول می‌کرد، به واحدهای روستایی پراکنده و منزوی وابسته بود (کاتوزیان، 1368: 219). مالکیت زمین که با استقرار حکومت رضاخان دستخوش تغییراتی شده بود عنصر تعیین‌کننده منزلت اجتماعی در جامعه روستایی بود که توزیع آن هم بسیار نابرابر بود. درصد بالایی از اراضی در اختیار بزرگ مالکان و دربار بوده است (ازکیا، 1365). الگوی عمومی مالکیت در این دوران مخلوطی از بزرگ‌مالکی فئودالی، خرده‌مالکی غایب و مالکیت دهقانی بود. به لحاظ روابط تولید و چگونگی تخصیص مازاد، نظام سهم‌بری عمدتاً مبتنی بر عوامل پنج‌گانه تولید (زمین، آب، کار، وسیله شخم و بذر)، با تفاوت‌هایی در برخی از نواحی، وجود داشته است.

از منظر قشربندی اجتماعی در جامعه روستایی قبل از اصلاحات ارضی با عنایت به تحقیقات انجام شده از سوی محققین روستایی (ازکیا، وثوقی، لهسایی‌زاده، اشرف، مؤمنی، خسروی، کاتوزیان، ...) از وجود ارباب (مالک)، مباشر، کدخدا، اجاره‌دار، گاو‌بند، رعیت (زارع)، خوش‌نشینان (کارگر زراعی، بزرگر، خدماتی) دهقان مستقل (خرده مالک) و اجاره‌دار در جامعه روستایی نام برده‌اند که هر یک جایگاه و منزلت خاص خودشان را در سلسله مراتب اجتماعی و نظام قدرت داشته‌اند. با اجرای اصلاحات ارضی ساختار اجتماعی روستاها دستخوش تحول بزرگی شد. زیرا در عنصر و مؤلفه‌ای که بالاترین ارزش را به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی داشت و تعیین‌کننده وجهت و منزلت فرد و خانواده بود، تغییراتی حادث شده بود. در جامعه‌ای که مبتنی بر ساخت کشاورزی است «تقسیم زمین یعنی تقسیم ثروت، درآمد، اعتبار اجتماعی و قدرت سیاسی؛ پس تقسیم زمین می‌تواند آغاز دگرگونی در ساخت اجتماعی باشد» (وثوقی، 1366: 177). چنین تحولی به عنوان نقطه شروع برنامه توسعه

تحلیلی بر مطالعات روستایی در ایران

روستایی نیز تلقی گردیده است که برخی نوشته‌اند: «برنامه‌های توسعه روستایی با اصلاحات ارضی شروع شد و با برنامه‌های دیگری نظیر ایجاد شرکت‌های تعاونی، شرکت‌های سهامی زراعی، کشت و صنعت و غیره ادامه یافت» (ازکیا، 1365: 236). هدف اصلی از اصلاحات ارضی این بود که با تقسیم املاک بزرگ مالکان بین دهقانان و رواج تکنولوژی جدید، تسهیلاتی در امر تهیه فرآورده‌های کشاورزی فراهم شود (عسگری‌خانقاه، 1372: 27). از طرفی اصلاحات ارضی را مقدمه ورود دولت به جامعه روستایی نیز دانسته‌اند (هالیدی، 1358). و نیز گفته شده است که، اصلاحات ارضی یک ابزار نمایشی اقتصادی-اجتماعی بود که در راه مقاصد سیاسی به‌کار برده شد (آموزگار، 1375: 326). با توجه به آراء صاحب‌نظران مطالعات روستایی تأثیر اصلاحات ارضی بر ساختار اجتماعی روستاها و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی حاصل از آن را می‌توان این‌گونه عنوان کرد که اصلاحات ارضی تحولی بود که از بالا و تحت تأثیر عوامل بیرونی (اقتصاد جهانی) و برای ایجاد و تثبیت نظام سرمایه‌داری وابسته در ایران صورت گرفت. اصلاحات ارضی به‌وسیله توزیع زمین بین دهقانان در فرآیند تفکیک دهقانان نفوذ کرده و به اقتصاد دهقانی، به‌وسیله به‌وجود آوردن نظام تولید مستقل شکل داده است. به‌نظر «علوی»¹ دینامیک اخیر سرمایه‌داری وابسته در کشورهای پیرامون خواهان به‌وجود آوردن اقتصاد مستقل دهقانی است (نہسایی‌زاده، 1368: 22). در ایران «گرچه گسترش روابط سرمایه‌داری در محیط روستایی و نفوذ آن، از اواخر دوره قاجاریان آغاز شده بود اما اصلاحات ارضی افزون بر گسترش بازارهای سرمایه و مشروعیت بخشیدن به رژیم کودتایی در اذهان روستاییان و در نتیجه تحکیم قدرت دستگاه دولتی در محیط روستایی به ایجاد پایگاه اجتماعی متشکل از سرمایه‌داران وابسته در بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات مساعدت کرد» (رزاقی، 1368: 327). در نتیجه به‌دلیل پیوند با اقتصاد جهانی تحول در روستاها مورد توجه قرار گرفت و بخش کشاورزی کشور خصلتی تجاری پیدا کرد. اصلاحات ارضی، به‌نظر همه صاحب‌نظران و محققان موضوع، ساختار نظام ارباب-رعیتی را دگرگون کرد. با فروپاشی نظام ارباب-رعیتی بهره‌برداری‌های ملکی اراضی کشاورزی افزایش یافت و زمینه را برای پیدایش انواع بهره‌برداری‌های دهقانی و رشد و توسعه انواع بهره‌برداری‌های تجاری آماده کرد و انبوه کشاورزان بی‌زمین را به‌حال خود رها ساخت (اشرف، 1361). اصلاحات ارضی گرچه با نام بسط عدالت اجتماعی و از بین بردن فشار اربابان بر روستاییان مطرح شده بود، ولی در عمل نابرابری‌های

اجتماعی و اقتصادی را در جامعه روستایی تقویت نمود. گفته شده که «اصلاحات ارضی از یک طرف مالکیت فردی و روحیه تکروری را در دهقانان تشدید کرد و از طرف دیگر به نابرابری موجود میان دهقانان صورت قانونی داد. در نتیجه اولاً واحدهای تولیدی (جمعی) به کلی متلاشی شدند و ثانیاً دهقانان ثروتمند با دست باز توانستند از دهقانان فقیر سلب مالکیت کنند (مؤمنی، 1359: 376). با نابودی واحدهای تولیدی سنتی تلاش گردید که واحدهای جدید چون شرکت‌های تعاونی، شرکت‌های زراعی و کشت و صنعت‌ها را جایگزین کنند تا کشاورزی سنتی تبدیل به کشاورزی تجاری شوند. به نظر کاتوزیان، «عملکرد شیوه سنتی تولید (به‌رغم همه مشکلات) بهتر از نظام‌های مدرن بوده‌است زیرا شرکت‌های زراعی و کشت و صنعت‌ها هر دو (در سطوح مختلف) ساخته‌هایی ناجور و غیرتاریخی بودند که بدون هیچ زمینه قبلی در چارچوب اجتماعی معینی قرار داده شدند. هر دوی این نظام‌های مدرن ویژگی‌های فنی و روابط سیاسی-اقتصادی کشاورزی ایران را نابود کردند» (کاتوزیان، 1368: 234). مهم‌تر اینکه به دلیل گرایش دهقانان به حفظ مالکیت فردی اراضی، غیرمشارکتی بودن برنامه‌های رژیم شاه و عدم توانایی کارگزاران دولت در جلب اعتماد و مشارکت حقیقی دهقانان موجب شد که تشکل‌های جدید پیش از آنکه به مردم متکی باشند به دولت وابسته باشند (عبداللهی، 1377، 329). در نتیجه سیاست‌های دولت در بخش کشاورزی و روستایی معطوف به بسط بهره‌برداری تجاری و ادغام و پیوند دادن واحدهای روستایی با اقتصاد ملی و جهانی بود. به‌واسطه گسترش بهره‌برداری‌های تجاری، ماشینی شدن کشاورزی و رشد بخش‌های صنعت و خدمات درصد شاغلان بخش کشاورزی که در سال 1335، 76 درصد کل شاغلان را تشکیل می‌دادند به 63 درصد در سال 1355 تقلیل پیدا کند. تحت چنین شرایطی در نظام قشربندی اجتماعی روستاها شاهد قشرها و گروه‌های اجتماعی چون: مالکان غایب از ده، دهقانان مستقل، خوش‌نشینان و سوداگران می‌شویم.

جامعه روستایی بعد از انقلاب با تأثیرپذیری از تحول انقلابی حادث شده در جامعه حالت بسته، ایستا و توده‌ای بودن خود را تا اندازه از دست داد. «اصلاحات ارضی رژیم گذشته بدون شک از نظر شکل مالکیت، ضربه‌ای بر پیکر نظام ارباب-رعیتی وارد آورد اما ربنای سیاسی، اداری و ذهنیات جامعه کماکان در زیر نفوذ روابط ارباب رعیتی باقی مانده بود. تحولات بعد از سقوط رژیم با سرعت شگفت‌آوری این بقایا را جاروب کرده است. روستاییان اینک برای خود قائل به یک سلسله حقوق فردی و اجتماعی هستند و از حالت انبوه اشباح بی‌هویت بی‌صدا به مردمانی زنده و پر سروصدا مبدل

تحلیلی بر مطالعات روستایی در ایران

شده‌اند» (مهدوی، 1361: 73). تحرک حاصل شده در جامعه روستایی موجب شد اصلاحات ارضی بعد از انقلاب بر خلاف اصلاحات ارضی قبل از انقلاب که از بالا به پایین بود صورت ترکیبی پیدا کند، یعنی هم حرکت‌ها و اعتراضات دهقانی را در برخی از مناطق روستایی و هم اقدام حکومت را برای تدارک و اجرای اصلاحات ارضی داشته باشیم. به تعبیر احمد اشرف اصلاحات ارضی شاه، اصلاحاتی از بالا بود که زیر فشار بیگانگان اجرا شد تا مانع از وقوع انقلاب از پایین بشود، اصلاحات ارضی اسلامی از سطوح میانی جامعه با مشارکت جوانان اندیشه‌ورز شهری آغاز شد (اشرف و بنوعیزی، 1387: 256). به‌هر حال پس از انقلاب اسلامی متفندان و قدرتمندان محلی چون مالکان، سرمایه‌داران ارضی، خرده‌سرمایه‌داران روستایی و دهقانان مرفه پایگاه اجتماعی خود را در جامعه روستایی از دست داده و جای خود را به نهادهای جدید مانند شوراهای اسلامی، بسیج و ... دادند.¹ کدخدا که در ساختار پیشین به‌منزله اهرم اصلی نظام موجود در روستاها تلقی می‌شد، حذف گردید و وظایفش به شورای اسلامی واگذار گردید. همچنین به‌تدریج نهادها و سازمان‌های جدیدی در ارتباط با ارائه خدمات در سطح روستاها نظیر جهادسازندگی، مراکز خدمات روستایی و عشایری، دهداری، شورای عمران و طرح تشکیل دفتر عمران روستایی، خانه ترویج و عمران ایجاد گردید (وثوقی، 1373: 42). احمد اشرف نیروهای عمده کشاورزان را در آستانه انقلاب چنین مطرح می‌کند: «یکم، بهره‌برداران بزرگ، متوسط و کوچک تجاری؛ دوم، گروه کوچکی از دهقانان مرفه و خرده‌سرمایه‌داران روستایی؛ سوم، دهقانان کم‌زمین و کشاورزان بی‌زمین در قاعده هرم اجتماعی، بهره‌برداران تجاری، دهقانان مرفه و صاحبان سرمایه‌های کوچک روستایی در حفظ و نگهداری وضع موجود کوشا، بودند و دهقانان میانه‌حال نیز زمینه اجتماعی قدرت دهقانان مرفه را فراهم می‌ساختند. دهقانان کم‌زمین وضع

1 برای آشنایی بیشتر با مسائل ارضی بعد از انقلاب اسلامی به آثار زیر مراجعه شود:

- مهدوی، حسین (1362). ملاحظاتی درباره مسائل ارضی ایران. کتاب آگاه (مجموعه مقالات درباره ایران و خاورمیانه). تهران: آگاه.
- اشرف، احمد و علی بنوعیزی (1387). طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران. ترجمه سهیلا ترابی فارسانی. تهران: نیلوفر.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (1387). جامعه‌شناسی کشاورزی. تهران: سمت.

متزلزلی میان دهقانان میانه‌حال و کشاورزان بی‌زمین داشتند و کشاورزان بی‌زمین تنها قشری بودند که منافع مشخص در برهم خوردن نظام موجود زمین‌داری و توزیع مجدد اراضی دارند» (اشرف، 1361). اصلاحات ارضی بعد از انقلاب که با بحث و مشاجره‌های عدیده‌ای از سوی طیف‌های مختلف همراه بود با هدف واگذاری زمین به دهقانان کم‌زمین و روستاییان بی‌زمین صورت گرفت. به‌لحاظ قشربندی اجتماعی جامعه روستایی بعد از انقلاب تغییرات قابل توجهی را تجربه می‌کند. بعد از انقلاب قشرهای بالای سلسله‌مراتب اجتماعی به دلیل ارتباط با نظام حاکم قبلی حذف شدند ولی دهقانان مرفه و متوسط از موقعیت مناسب‌تری برخوردار شدند. به‌نظر «سیروس یگانه» بعد از انقلاب مالکیت خصوصی کوچک و متوسط و مالکیت دولتی هم حفاظت شدند و هم افزایش یافتند. سازمان تولید عمدتاً به‌شکل خانوادگی و تعاونی‌های دولتی جدید (مشاع‌ها) در حال افزایش هستند. عدم حضور مالکین بزرگ و اقشار بالای جامعه به اقشار متوسط روستا این فرصت را داد تا خود را در هرم قشربندی اجتماعی بالا بکشند و در موقعیت مسلط قرار گیرند درحالی‌که اقشار پایین دهقانی همچنان در وضعیت ثابت باقی بمانند. وضعیت افراد بدون زمین روستایی وخیم است. نه بخش کشاورزی قادر به عرضه کار برای آنهاست و نه بخش غیرزراعی روستایی توانایی جذب آنها را دارد (یگانه؛ به نقل از لهسایی‌زاده، 1372).

در دهه‌ی 1360 با توجه به اهداف و آرمان‌های انقلاب، بررسی‌های جامعه‌شناختی در حوزه‌ی مسایل روستایی، عمدتاً به محرومیت‌زدایی از روستاها، ارزیابی مسایل ارضی، عملکرد هیئت‌های هفت‌نفری واگذاری زمین و نیز طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی مربوط می‌شود. ولی در دهه‌ی 1370 عمدتاً به فقر روستایی و اشتغال توجه شده است (زاهدی، 1380). علاوه‌بر این در سال‌های اخیر شاهد توجه به رویکرد مسئله‌گرا هستیم که ناشی از جایگاه توسعه روستایی در برنامه‌های توسعه‌ای و نیز مواجهه روستاها با مسائل تازه‌تر و در نهایت طرح مباحث توسعه روستایی در مقاطع عالی تحصیلی است که در این زمینه می‌توان به آثار محققانی چون: گودل¹، ازکیا، غفاری، طالب، رفیع‌پور، لهسایی‌زاده، زاهدی، مازندرانی و شکوری اشاره نمود. گرث گودل (1986) به مطالعه پروژه آبیاری دز² پرداخته است. حاصل کار او کتابی است به نام ساختارهای ابتدایی حیات سیاسی با عنوان فرعی توسعه روستایی در ایران عصر پهلوی که سال 1986 در دانشگاه آکسفورد به چاپ رسید. کتاب

1 Goodel, grace

2 Dez Irrigation project

تحلیلی بر مطالعات روستایی در ایران

حاصل مشاهده مشارکتی در دو بخش سنتی و مدرن است که نویسنده آن را تحت عناوین رحمت آباد و بیژن آباد نام گذاری می کند و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و نیز جایگاه دولت، فرد، تعاون و همکاری را در این دو بخش مورد مقایسه قرار داده است. رفیع پور (1364) تغییرات در نیازهای روستاییان را زمینه ای برای وابستگی روستاها به مناطق شهری می داند به نظر او جامعه روستایی تحت تأثیر عوامل گوناگون نقش تولیدی خود را به تدریج از دست می دهد او مخالف وابسته نمودن روستاییان به دولت است و مشارکت را سازوکاری مؤثر برای فعال سازی روستاییان می داند.

طالب (1372) در چارچوب نظریه خرده فرهنگ دهقانی به موانع فرهنگی و اجتماعی در توسعه نیافتگی روستایی تأکید می کند. از کیا و لهسایی زاده (1368) در قالب نگاهی ساخت گرایانه موانع توسعه روستایی را در چارچوب نظریه هایی قرار دادند که بر روابط نابرابر درون جامعه ای و بین جامعه ای در قیاس بین المللی توجه دارند. غفاری به نقش دولت در توسعه روستایی در دوره قبل و بعد از انقلاب توجه کرد و معتقد است دولت ها نتوانستند زمینه های مشارکت واقعی روستاییان را در توسعه روستایی فراهم سازند و موجب وابستگی آنها شده اند.

به نظر زاهدی مازندرانی (1380) جوامع روستایی به دلیل ساختار اجتماعی ویژه شان در مواجهه با پدیده های جدید با نابسامانی های قابل توجهی روبرو می شوند و واکنش های پر دامنه و پرنوسانی را نشان می دهند که ارائه راه حل برای آنها مستلزم داشتن نگاهی مسئله محور است.

3- آثار و مطالعات انجام شده با جهت گیری آموزشی

با طرح مباحث روستایی در قالب واحدهای درسی رشته های علوم اجتماعی و شکل گیری درسی چون جامعه شناسی روستایی و توسعه روستایی ضرورت تولید نوشته هایی با جهت گیری آموزشی مدنظر صاحب نظران این حوزه قرار گرفت و آنها در دو بخش ترجمه و تالیف به این ضرورت پرداخته اند. در سال 1342 شاهد انتشار کتاب «شهر اندیشه های نو در روستا» اثر عطا الله معتدل هستیم که سازوکارهای انتقال تحولات فرهنگی به روستاها را مورد بحث قرار داده است. جمشید بهنام و شاپور راسخ (1348) در کتاب «مقدمه ای بر جامعه شناسی ایران» بخش سوم کتاب را به جامعه شناسی روستایی ایران (قبل از اصلاحات ارضی) اختصاص دادند که در آن مباحث مربوط تعریف ده، شکل سکونت در ده، ترکیب جمعیتی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و اداری ده و نیز فرهنگ، روحیه و رفتار روستاییان مورد بررسی قرار گرفته است. در سال 1348 شاهد انتشار دو کتاب «مقدمه بر روستا شناسی

ایران» نوشته کاظم ودیعی و «ششدانگی» اثر اسماعیل عجمی هستیم. در سال 1350 کتاب «جامعه‌شناسی روستایی ایران» خسرو خسروی به‌عنوان نخستین کتاب مستقل و درسی جامعه‌شناسی روستایی کشور از طرف انتشارات «دانشکده علوم اجتماعی و تعاون» دانشگاه تهران منتشر شد (زاهدی مازندرانی، 1373). این کتاب در پنج بخش با عناوین مالکیت و مناسبات زمین‌داری، ساخت جامعه روستایی ایران، خانواده روستایی، قشربندی اجتماعی جامعه روستایی ایران به‌هنگام اصلاحات ارضی، اصلاحات ارضی و اثرات آن در جامعه روستایی ایران تدوین شد. خسروی سپس در سال‌های 1355 و 1357 به‌ترتیب کتاب‌های «پژوهشی در جامعه روستایی ایران» و «جامعه دهقانی» در ایران را منتشر نمود. در سال 1351 انتشارات دانشگاه تهران کتاب «بنه» جواد صفی‌نژاد را منتشر کرد که در آن بنه به‌عنوان یکی از واحدهای تولید جمعی در جامعه روستایی مورد پژوهش قرار گرفته است. در سال 1352 انتشارات نوبل در تبریز کتاب «جامعه روستایی (شناخت تیپ‌های روستا)» اثر احمد زرفروشان را منتشر نموده که در آن بیشتر از ریخت‌شناسی (مورفولوژی) و انواع روستاها بحث شده است. در همین سال انتشارات نوبل دو کتاب «جامعه‌شناسی روستایی» علی‌اکبر ترابی و «جامعه‌شناسی روستایی روش پژوهش روستاها» اثر نصرالله پور افکاری را نیز منتشر نموده است. علی‌اکبر نیک‌خلق در 1358 کتاب «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی ایران» را نوشت که از جامعیت بیشتری برخوردار بود سرفصل‌های این کتاب عبارتند از: جامعه‌شناسی روستایی و ارتباط آن با علوم دیگر، تفاوت شهر و ده از دیدگاه جامعه‌شناسی، وضع مسکن در روستاها، جلوه‌های تعاون صنعتی در روستا، تحرک جغرافیایی و اجتماعی در جامعه روستایی، خانواده در روستا، نظام کار در خانواده سنتی روستایی، ازدواج و اشکال آن در روستا، انگیزه‌ها تمایلات و آرزوها. در ضمیمه کتاب طرح تک‌نگاری نیز اضافه شده که راهنمای انجام پژوهش از نوع تک‌نگاری می‌باشد. در سال 1364 و 1365 انتشارات اطلاعات کتاب‌های «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی» و «جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران» اثر مصطفی ازکیا را منتشر کرد که از اولین آثاری بودند که از رویکردهای نظری و عملی حاکم بر جامعه‌شناسی توسعه برای واکاوی و تحلیل مسائل روستایی ایران بهره می‌گرفت. بخش اصلی و دوم این کتاب شامل فصول: مروری بر مطالعات توسعه روستایی در ایران، ساخت کشاورزی در آستانه برنامه‌های توسعه روستایی، اصلاحات ارضی و مراحل قانونی آن، اصلاحات ارضی و دگرگونی در ساخت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه روستایی، اصلاحات ارضی و توسعه‌نیافتگی

تحلیلی بر مطالعات روستایی در ایران

بخش کشاورزی دهقانی، شرکت‌های تعاونی روستایی، دگرگونی نظام‌های تولید زراعی و تأثیر آن بر جامعه دهقانی، توسعه نظام بهره‌برداری مبتنی بر سرمایه‌داری ارضی، تعاونی‌های تولید و مشاع‌های روستایی، مراکز خدمات روستایی، کشاورزی و عشایری می‌باشد. در سال 1366 کتاب «جامعه‌شناسی روستایی» منصور وثوقی منتشر شد که مباحث: ویژگی ده، ساخت جمعیت روستایی و حرکت آن، خانواده روستایی، قشربندی اجتماعی در روستا، اشکال بهره‌برداری‌های کشاورزی، نظام بزرگ‌مالکی یا شبیه فئودالی در ایران، تحول در ساخت ارضی جوامع روستایی، ساخت ارضی در جوامع سنتی و بهره‌برداری‌های جمعی و تعاونی، جامعه روستایی ایران بعد از انقلاب اسلامی را پوشش می‌دهد. لهسایی‌زاده (1369) در کتاب «تحولات اجتماعی جامعه روستایی ایران» مباحث مربوط به پایه‌های نظری بحث اصلاحات ارضی و تأثیر آن بر تحولات اجتماعی در روستاهای ایران به‌خصوص از منظر شکل‌گیری اقشار جدید مورد بررسی قرار داده است مهدی طالب در سال 1378 در کتاب «مدیریت روستایی» تحول مدیریت روستایی را در ایران در دوره قبل و بعد از مشروطیت مورد بررسی قرار داده است. و در سال 1384 با همکاری موسی عنبری در کتاب «جامعه‌شناسی روستایی با تأکید بر ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران» به بررسی جامعه روستایی پرداخته‌اند. کتاب حاصل مطالعاتی است که در سه دهه گذشته در مناطق مختلف روستایی ایران انجام گرفته است. در این کتاب تعاریف و مفاهیم مربوط به جامعه‌شناسی و جامعه روستایی و رابطه جامعه‌شناسی روستایی با دیگر رشته‌های علوم اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته به ویژگی‌های محیطی جامعه روستایی از حیث طبیعی، انسانی و رابطه شهر و روستا، خانواده روستایی، ویژگی‌ها و تغییرات آن، نظام روابط اجتماعی روستایی در مقیاس‌های عمودی و افقی، اصلاحات ارضی و تغییرات ناشی از آن در جامعه روستایی، توسعه روستایی، ترویج روستایی، توسعه روستایی در ایران و در نهایت واحدهای بهره‌برداری کشاورزی در اشکال واحدهای بهره‌برداری خانوادگی، کشاورزی، گروهی (تعاونی) و واحدهای بزرگ (سرمایه‌داری) زراعی توجه شده است. کتاب حاوی مطالب قابل اعتنایی در حوزه جامعه‌شناسی و مطالعات روستایی است. ازکیا و غفاری (1383) در کتاب «توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران» با استناد به پژوهش‌های موردی انجام شده در جامعه روستایی ایران به تحلیل توسعه و تحول در جامعه روستایی و سیاست‌های توسعه روستایی پرداخته‌اند. لهسایی‌زاده (1387) در کتاب «جامعه‌شناسی کشاورزی ایران» پس از تفکیک جامعه‌شناسی روستایی از جامعه‌شناسی کشاورزی

نظام‌های بهره‌برداری در جامعه روستایی و روند تحول آنها و در نهایت تحرکات جمعیتی و روند مهاجرت از روستاها را مورد بررسی قرار داده است.

مروری بر این آثار و مطالعات انجام شده با جهت‌گیری آموزشی نشان می‌دهد که با مرور زمان هم از حیث مطالب و موضوعات مورد بحث و هم از حیث بعد نظری و روشی به غنای این متون و کتب افزوده شده است. همچنین تأثیر تحولات جهانی در مطالعات توسعه و ورود به شاخه‌ها و باب‌های مطالعاتی جدید در توسعه روستایی خود را نشان داده است. این کتب با اینکه در ابتدا معطوف به جامعه‌شناسی روستایی ایران بوده‌اند ولی امروزه به دلیل تأثیری که روندهای ملی و حتی فراملی بر جامعه روستایی دارند بیشتر جهت‌گیری توسعه‌ای و فراروستایی نیز پیدا کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام شده در حوزه مطالعات روستایی در سه بخش که هر کدام برخوردار از زیرمجموعه‌هایی می‌شوند تقسیم شده‌اند. پدیداست که هر کدام از این بخش‌ها و زیرمجموعه‌های مربوط به آنها محتوا و صورت معینی داشته و اهداف مشخصی را مورد توجه قرار داده‌اند. چرا که این مطالعات دارای وجوه مختلف تاریخی-تطبیقی، توصیفی، تبیینی، ارزیابی عملکرد و آموزشی هستند. این مطالعات یک هم‌پیوندی با سیر تحولات نظری و تجربی جامعه‌شناسی روستایی و توسعه روستایی داشته و مهم‌تر اینکه بی‌ارتباط با تحولات تجربه شده در جامعه روستایی ایران هم نبوده‌اند. مطالعات حوزه روستایی در ایران همگام با طرح و شکل‌گیری جامعه‌شناسی در ایران مورد مذاقه اصحاب علوم اجتماعی بود که این مسئله به‌ویژه به دلیل همزمانی با انجام طرح اصلاحات ارضی قوت گرفته و مهم‌تر اینکه به دلیل ورود مستقیم دولت به فرایند مداخله و تصدی‌گری در جامعه روستایی از سال‌های 1340 به بعد سازمان‌ها و مؤسسات متولی عمران و توسعه روستایی را وادار و متقاعد به سفارش پژوهش در جامعه روستایی نمود که به تولید حجم قابل‌اعتنایی از کارهای پژوهشی، در قیاس با دیگر حوزه‌های جامعه‌شناسی انجامیده است. این نوشتجات و گزارش‌های پژوهشی هر چند که به صورت مستقیم در اختیار تمامی دانش‌پژوهان این حوزه قرار نگرفته است لیکن بدون تردید در تولید نوشتجات پژوهشگران و متخصصان حرفه‌ای این حوزه که اقدام به تولید آثار پژوهشی و متون آموزشی کرده‌اند نقش و سهم مهمی را داشته‌اند. در بخش اول مطالعات روستایی با مجموعه‌ای از تک‌نگاری‌های

تحلیلی بر مطالعات روستایی در ایران

روستایی مواجه هستیم که این تک‌نگاری‌ها یا به‌صورت مستقل انجام شده‌اند و یا اینکه مکمل بررسی‌های اجتماعی-اقتصادی در مقیاس منطقه‌ای بوده‌اند. این تک‌نگاری‌ها بیشتر به‌صورت توصیفی و کمتر حالت اکتشافی به‌منظور نیل به ایده و نظریه و یا آزمون ایده و نظریه‌ای بوده‌اند. در کنار این بخش مطالعات تاریخی را داریم که این مطالعات را نیز از حیث روش‌شناسی حداقل می‌توان در دو دسته مطالعاتی که با ناخودآگاهی روش‌شناختی تهیه و تدوین شده‌اند و لیکن حاوی ایده‌ها و نکات ارزنده‌ای هستند و نیز مطالعاتی که برخوردار از چارچوب‌های روش‌شناختی، نظری و در مواردی ایدئولوژیکی معین تولید شده‌اند. این بخش از مطالعات عمدتاً در پی بیان وضعیت تاریخی-اجتماعی جامعه روستایی در قیاس با دیگر جوامع در مقام بیان افتراق‌ها و اشتراک‌ها و نیز تحلیل دوره‌ها و مراحل تاریخی جامعه ایرانی هستند. در بخش عملکردی چرایی قبول و انجام فرایندهای توسعه‌ای در جامعه روستایی ایران به‌خصوص فرایند اصلاحات ارضی و پیامدهای مثبت و منفی آن با عنایت به رویکردهای نظری غالب بر جامعه‌شناسی مورد واکاوی قرار گرفته است. در بخش آموزشی نیز عمدتاً از جانب کسانی که عهده‌دار آموزش دروس حوزه‌های جامعه‌شناسی و توسعه روستایی بوده‌اند به‌منظور پاسخ به نیازهای آموزشی اقدام به تالیف و ترجمه مجموعه‌ای از آثار در زمینه توسعه و تغییرات روستایی با رویکردهای چون نوسازی، وابستگی و ساختاری نموده‌اند. در مجموع به‌رغم اینکه حوزه مطالعات روستایی برخوردار از حجم قابل‌اعتنایی از مواد پژوهشی و آموزشی است اما کاستی‌ها و تنگناهای این حوزه نباید مورد غفلت واقع شوند. که شناسایی و اندیشه نسبت به آنها می‌تواند به غنای این حوزه مطالعاتی کمک کند. به‌خصوص در دوره‌ای که به‌نظر می‌رسد دیگر حوزه‌های جامعه‌شناسی از سیطره، وسعت و اقبال بیشتری دارند برخوردار می‌شوند. در بیشتر موارد نوشتجات پژوهشی این حوزه که با استراتژی پژوهشی قیاسی سامان پیدا کرده‌اند از استحکام چارچوب نظری و منطق پژوهشی روا و معتبری برخوردار نمی‌باشند و به‌ندرت آنجا که بررسی‌های این حوزه، به شیوه‌های استقرایی متوسل شده‌اند، موفق به تدوین ایده و یا نظریه معین و مشخصی شده‌اند. همچنین به‌رغم انجام پژوهش‌های متعدد مسئله انباشت، نقد و اصلاح مسیرها و خطاهای پژوهشی در این حوزه مطالعاتی، چون دیگر حوزه‌های پژوهشی علوم اجتماعی، محقق نشده است. به تعبیری در ایران، تحقیقات اجتماعی به‌ویژه در حوزه توسعه روستایی به تفرد و گسست گراییده است، بدین معنی که زمینه تعامل و گفتگویی میان تحقیقات وجود ندارد و محقق خود را در فضایی پژوهشی

و انباشته از تحقیقات دیگر پژوهشگران احساس نمی‌کند (عبری، 1387:28). به نظر می‌رسد واکاوی، نقد و فراتحلیل پژوهش‌های انجام شده در این حوزه می‌تواند زوایای تازه‌ای را پیش‌روی محققان این حوزه قرار دهد و مهم‌تر اینکه با رجوع مجدد به قلمروهای پژوهشی محققان پیشین می‌توان به کم و کیف تغییرات حادث شده نیز وقوف بیشتری پیدا کرد¹. انجام پژوهش‌های روستایی در سنت‌های کمی و کیفی مستلزم ارتباط مستقیم و تعامل پیوسته با محیط و قلمرو تحقیق دارد. در بسیاری از پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده محققین تعامل و ارتباط کافی را با محیط و قلمرو تحقیق خود نداشته‌اند که این امر در مواردی موجب تردیدهایی نسبت به اعتبار و اعتماد به این نوشتجات شده است. نوشتجات آموزشی این حوزه نیز نیاز به ورود به مسائل جدیدتر روستاها چون مسائل جمعیتی، رفاهی و کیفیت زندگی اجتماعی و محیطی، آسیب‌های اجتماعی، اشتغال جوانان تحصیل کرده و تحولات اجتماعی روستاها از حیث تغییر در ساختار قدرت، نهاد خانواده، گرایش‌ها و نگرش‌ها، سبک زندگی، سیاسی و دولتی شده روستاها و ... در دوره بعد از انقلاب اسلامی و نیز نسبت این تحولات با فرایندهای تجدد جهانی شدن دارند که کمتر در متون آموزشی موجود به آنها پرداخته شده است.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (1377). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاهی. تهران: نشر نی.
- آموزگار، جهانگیر (1375). *فراز و فرود دودمان پهلوی*. ترجمه اردشیر لطفعلیان. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- ازکیا، مصطفی (1365). *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران*. تهران: اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی (1378). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی (1378). *نگاهی به وضعیت جامعه‌شناسی روستایی در دانشگاه‌های ایران*. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران. تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.

1 برای نمونه اگر روزی از دانشجویان جامعه‌شناسی روستایی و توسعه روستایی درخواست شود که برای تمامی یا بخشی از روستاهایی که تک‌نگاری آنها در دسترس است مجدداً به تهیه تک‌نگاری یا مطالعه از نوع موردی بپردازند و به مقایسه نتایج کار خود، با رعایت و در نظر داشتن دقایق و ظرایف روش‌شناسی، بپردازند. می‌توان به یافته‌های قابل‌اعتنایی از جامعه روستایی ایران دست پیدا کرد.

تحلیلی بر مطالعات روستایی در ایران

- اشرف، احمد (1340). قشرهای با درآمد در ایران. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- اشرف، احمد (1354). نظام‌های بهره‌برداری در ایران. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- اشرف، احمد (1361). دهقانان، زمین و انقلاب. مجموعه کتاب آگاه مسائل ارضی و دهقانی. تهران: آگاه.
- اشرف، احمد و علی بنوعیزی (1387). طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران. ترجمه سهیلا ترابی فارسانی. تهران: نیلوفر.
- بهنام، جمشید و شاپور راسخ (1348). مقدمه بر جامعه‌شناسی ایران. تهران: خوارزمی.
- پورافضل و بهالدین نجفی (1351). اصلاحات ارضی و واحدهای تولید جمعی کشاورزی. شیراز: دانشگاه شیراز.
- رزاقی، ابراهیم (1368). اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.
- رفیع‌پور، فرامرز (1364). جامعه روستایی و نیازهای آن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (1373). مروری تحلیلی بر سیر تحقیقات روستایی و عشایری در ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصادی کشاورزی.
- زاهدی، محمدجواد (1380). مسائل اجتماعی محوری در جامعه روستایی کشور. نامه انجمن جامعه‌شناسی، شماره 5. تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- صفی‌نژاد، جواد (1353). بنه. تهران: توس.
- طالب، مهدی (1372). مسائل و مشکلات مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی، جلد اول. تهران: سمت.
- طالب، مهدی (1378). مدیریت روستایی. تهران: دانشگاه تهران.
- طالب، مهدی با همکاری موسی عنبری (1384). جامعه‌شناسی روستایی ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- عبداللهی، محمد (1377). جایگاه و نقش و نوع ویژگی‌های نظام بهره‌برداری در ارتقاء کم‌وکیف عملکرد کشاورزی ایران. مجموعه مقالات جامعه‌شناسی و مدیریت. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- عجمی، امیراسماعیل (1350). شش‌دانگی، تهران، توس.
- عسگری خانقاه، اصغر (1372). پژوهشی در مورد مردم‌شناسی روستای قاسم آباد گیلان. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- عنبری، موسی (1387). تحلیل مسائل و کاستی‌های پژوهش‌های نوین در جامعه‌شناسی توسعه روستایی ایران، فصلنامه روستا و توسعه، سال 11، شماره (1) بهار 1387. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد کشاورزی.

- غفاری، غلامرضا (1383). ساختار اجتماعی جامعه روستایی ایران. نامه پژوهش فرهنگی. سال هشتم، شماره 9، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- کاتوزیان، محمدعلی (1368). اقتصاد سیاسی ایران. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی (جلد دوم). تهران: پایپروس.
- کارشناس، مسعود (1382). نفت، دولت و صنعتی شدن در ایران. ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب. تهران: گام نو.
- کانمن، وریزجی (1373). هابز، تونیس، ویکو سرچشمه‌های جامعه‌شناسی. در کتاب آینده بنیان‌گزاران جامعه-شناسی. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: قومس.
- کوزر، لوئیس (1368) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- کوزر، لوئیس (1373). کاربردهای نظریه کلاسیک در جامعه‌شناسی. در کتاب آینده بنیان‌گزاران جامعه‌شناسی. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: قومس.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (1368). تحولات اجتماعی در روستاهای ایران. شیراز: نوید.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (1372). جامعه‌شناسی کشاورزی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (1377). بررسی جامعه‌شناختی مدیریت روستا در ایران. مجموعه مقالات اولین همایش جامعه‌شناسی و مدیریت. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- معدل، منصور (1382). طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب. ترجمه محمدسالار کسرایی. تهران: باز.
- مندراس، هانری (1384). جوامع دهقانی عناصر یک نظریه دهقانی. ترجمه پیروز ایزدی. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- مهدوی، حسین (1361). تحولات سی ساله یک ده در دشت قزوین. مجموعه کتاب آگاه، مسائل اراضی و دهقانی. تهران: آگاه.
- مومنی، باقر (1359). مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران. تهران: پیوند.
- همایون، داریوش (1342). اصلاحات ارضی در ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره 6. تهران، دانشگاه تهران.
- وثوقی، منصور (1366). جامعه‌شناسی روستایی، تهران: کیهان.
- وثوقی، منصور (1373). ساختار جامعه روستایی. تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.

تحلیلی بر مطالعات روستایی در ایران

- Azkiya, Mostafa (1988). *the effect of Rural development programes on the Iranian peasantry, between 1962-1978*. Aberdeen: Aberdeen university.
- Azkiya, Mostafa (2002). *Rural Society and Revolution in Iran in Eric Hoogland (ed) Twenty Years of Islamic Revolution*.
- Denmen (1973). *The king vista*. London.
- Goodel, grace (1986). *The elementary structures of political life, Rural development in pahlavi Iran*. New York :Oxford.
- Hallidey. F (1979). *Dictatorship and development*, London.
- Hofstee, E.W (1963). Rural sociology in Europe. *Rural sociology*, 28.
- Katebi N (1972). The development of Garmsar farm corporation. *oxford agrarian studies*. Vol, 4. No.1.
- Long, No (1989). *Rural sociology in the social science Encyclopedia*. eds: adam kuper and tressia Kuper. London: Routledge.
- Schirazi, Asghar (1993). *Islamic Development, Policy The Agrarian Question in Iran*. Lynne Rienner Publishers.